

جورج اورول

مترجم: مریم فیروزبخت

www.ketab.ir

۱۹۸۴



انتشارات حکایتی دگر...

۱۹۸۴

جورج اورول

مترجم: مریم فیروزبخت

مدیر تولید: حسن پورنعمتی

چاپ: اول - بهار ۱۳۹۰

چاپ و صحافی: علامه طباطبایی

تیراژ: ۲۰۰۰ نسخه

قیمت: ۸۵۰۰ تومان

شابک: ۹۷۸ - ۹۶۴ - ۲۷۵۱ - ۳۱ - ۵

کلیه حقوق محفوظ است

دفتر مرکزی: تهران، مخ انقلاب مقابل سینما سپیده ساختمان کریستال
پلاک ۱۱۶۶ طبقه دوم انتهای راهرو. تلفن ۶۶۴۰۸۸۷۳ - ۶۶۴۰۸۹۱

سرشناسه	: اورول، جورج، ۱۹۰۴ - ۱۹۵۰ م. Orwell, George
عنوان و نام پدیدآور	: ۱۹۸۴ جورج اورول؛ مترجم مریم فیروزبخت
مشخصات نشر	: تهران: حکایتی دگر، ۱۳۸۹
مشخصات ظاهری	: ۳۹۱ ص.
شابک	: ۷۵۰۰۰ ریال ۵ - ۳۱ - ۹۶۴ - ۲۷۵۱ - ۹۷۸
وضعیت فهرست نویسی	: فیا.
یادداشت	: 1984, c1977
یادداشت	: کتاب حاضر در سالهای مختلف توسط ناشرین و مترجمین متفاوت منتشر شده است.
عنوان گسترده	: هزار و نهصد و هشتاد و چهار
موضوع	: داستانهای انگلیسی - قرن ۲۰ م.
شناسه افزوده	: فیروزبخت، مریم، ۱۳۵۸ - مترجم
رده بندی کنگره	: پ ۱۳۸۹ ۴ هـ ۷۷۳ / ل ف ۳ PZ
رده بندی دیویی	: ۸۲۳ / ۹۱۲
شماره کتابشناسی ملی	: ۲۱۷۸۲۳۱

مقدمه

رمان ۱۹۸۴ جورج اورول حاکی از روحیه‌ای است هشداردهنده. روحیه‌ای که در آن ترسیم می‌شود، نومیذی نزدیک نسبت به آینده انسان است و هشدار آن این است که اگر روند تاریخ تغییر نکند، انسان‌های تمامی دنیا مهمترین ویژگی‌های انسانی خود را از دست خواهند داد. و بی آنکه حتی خود متوجه آن باشند، به انسان‌های بی‌روح و خودکاری مبدل خواهند شد.

روحیه نومیذی نسبت به آینده آدمی تضاد روشنی با بنیادی‌ترین خصیصه‌های اندیشه غرب دارد: یعنی ایمان به پیشرفت انسان و توانایی آدمی در خلق جهانی مملو از عدل و صلح. این امید ریشه در اندیشه یونانی و رومی و نیز مفهوم مسیحای پیامبران عهد عتیق دارد. فلسفه عهد عتیق براین فرض است که آدمی رشد می‌کند و در مسیر تاریخ خود را نشان می‌دهد. و سرانجام به همان چیزی که در توانش است مبدل می‌گردد. براین مبنا آدمی قدرت عقل و عشق خود را کاملاً پیشرفت می‌بخشد و از این رو قادر است دنیا را مسخر خود سازد و با دیگر انسان‌ها و طبیعت یکی می‌شود. در حالی که همچنان فردیت و تمامیت خود را حفظ می‌نماید. صلح و عدالت جهانی از اهداف آدمی است و پیامبران ایمان دارند که برخلاف تمام خطاها و گناهان بشر، سرانجام «روز موعود» که مسیح مظهر آن است، فراخواهد رسید.

این مفهوم پیشگویانه، مفهومی تاریخی است؛ حالتی از کمال که آدمی در طول تاریخ متوجه آن خواهد شد. مسیحیت این مفهوم را به نوع فراتاریخی و کاملاً روحانی آن تغییر داد. لیکن از باور ارتباط میان هنجارهای اخلاقی و سیاست دست نکشید. اندیشمندان مسیحی اواخر قرون وسطی تاکید داشتند که گرچه «حاکمیت خدا» در بستر تاریخ وجود

ندارد، لیکن نظام اجتماعی می‌بایست در ارتباط با اصول معنوی مسیحیت باشد و آن را درک کند. فرقه‌های مسیحی پیش و بعد از نهضت اصلاح دینی^۱ به نحوی آتی، پویا و انقلابی بر این نیازها پافشاری می‌کردند. با خاتمه قرون وسطی حس قدرت آدمی و نیز امید او نه تنها برای رسیدن به کمال فردی بلکه دستیابی به کمال اجتماعی گویی جان تازه‌ای یافت و به شیوه‌های تازه‌ای انجامید.

یکی از مهمترین آنها شکل جدیدی از نوشتار است که از زمان رنسانس توسعه یافت و اولین شکل آن اتوپای توماس مور^۲ است. (به لحاظ لغوی، ناکجاآباد). نامی که زان لیس عموماً برای تمامی آثار مشابه به کار گرفته می‌شد. اتوپای توماس مور که نقدی بسیار کوبنده از بی‌خردی و بی‌عدالتی‌های جامعه خویش است، همراه آن تصویری از جامعه‌ای را ارائه می‌دهد که گرچه کامل نیست، لیکن بسیاری از مشکلات بشر را که برای معاصرانش غیر قابل حل می‌نمود را حل می‌کرد. چیزی که به اتوپای توماس مور و تمامی آثار دیگر ویژگی می‌بخشد این است که آنها از اصول کلی حرف نمی‌زدند بلکه تصویری خلاق از جزئیات مشخص جامعه‌ای را ارائه می‌دادند که در ارتباط با عمیق‌ترین آرمان‌های بشر بود. این جوامع کامل برخلاف اندیشه‌های دینی به «روز موعود» مربوط نمی‌شدند، بلکه از پیش وجود داشتند - گرچه به جای فاصله‌رمانی، دارای فاصله جغرافیایی بودند.

در پی اتوپای توماس مور، دو اثر دیگر نیز وجود داشت. شهر خورشید.^۳ اثر راهب ایتالیایی کامپانلا^۴ و شهر مسیحی^۵ اثر انسان‌گرای آلمانی آندره^۵ که مدرن‌تر از بقیه می‌باشد. این سه جامعه آرمانی به لحاظ دیدگاه و ریشه با هم متفاوت‌اند. با این حال تفاوت‌هایشان در قیاس با مشترکاتشان اندک است. از آن پس چندین سال تا آغاز قرن بیستم اتوپاهای زیادی به رشته تحریر درآمد. آخرین و تأثیرگذارترین اتوپا نگاهی به گذشته^۶ اثر ادوارد بلامی^۷ بود که در سال ۱۸۸۸ به چاپ رسید. این کتاب بعد از کلبه

۵ نهضت مذهبی قرن ۱۶ میلادی که منجر به تشکیل و تأسیس کلیساهای پروتستان گردید - مترجم

1- Utopia Thomas More

2- City of the sun

3- Campanella

4- Christianopolis

5- Andrea

6- Looking Backward

7- Edward Bellamy

عموتام^۱ و بن هور^۲ بی تردید محبوب‌ترین کتاب سال‌های شروع قرن بود. که میلیون‌ها نسخه از آن‌ها در ایالت متحده به چاپ رسید و به بیش از بیست زبان ترجمه گردید. اتوپیای بلامی بخشی از سنت بزرگ آمریکا است که در اندیشه‌های وایتمن^۳، تارو^۴ و امرسون^۵ اظهار شده بود. نوع آمریکایی این باورها بود که در آن زمان به قوی‌ترین شکل ممکن در جنبش سوسیالیستی اروپا نمود یافت.

امید به کمال‌گرایی فردی و اجتماعی انسان که از لحاظ فلسفی و انسان‌شناختی به طور آشکارا در آثار فلسفه‌دانان روشنگر قرن هجدهمی و اندیشمندان سوسیالیست قرن نوزدهمی ارائه شده بود، تا پس از جنگ جهانی اول بی‌تغییر باقی ماند. این جنگ که در آن میلیون‌ها نفر به خاطر جاه‌طلبی‌های قدرت‌های اروپایی برای تصاحب سرزمین‌های یکدیگر کشته شدند، گرچه تحت توهمات صلح و دموکراسی بود، لیکن آغازگر تحولی بود که می‌خواست در اندک زمان نسبتاً کوتاهی سنت دوهزارساله غربی را در خصوص امید نابود سازد و آن را به حالت یأس درآورد. حس بی‌مهری در جنگ جهانی اول تنها آغازگر آن بود. و رویدادهای دیگری در پس آن وجود داشت: بریاد رفتن امیدهای سوسیالیستی توسط حکومت سرمایه‌داری وایسگرای استالین؛ بحران اقتصادی شدید در پایان دهه بیست؛ پیروزی بربریت در یکی از فدیسمی‌ترین مراکز فرهنگی دنیا یعنی آلمان؛ وحشت جنون‌آمیز استالینی در طول دهه سی؛ جنگ جهانی دوم که در آن تمامی ملل مبارز تا حدی ملاحظات اخلاقی خود را که بعد از جنگ جهانی اول برجای مانده بود، از دست دادند؛ انهدام بی‌حد و حصر جمعیت‌های متمدن که توسط هیتلر آغاز شد و در پی آن نابودی کامل شهرهایی همچون هامبورگ، درسدن، توکیو و بالاخره استفاده از بمب اتمی علیه ژاپن. از آن پس نژاد بشر با خطر بزرگتری روبرو شد. خطر انهدام تمدن بشر - اگر نگوییم تمامی انسان‌ها - از طریق سلاح‌های هسته‌ای که امروزه وجود دارند و به طور روزافزون در ابعاد وحشتناک در حال توسعه‌اند.

با این حال بیشتر مردم نسبت به این تهدید و نومیدی خود کاملاً آگاه نیستند. برخی بر این باورند که صرفاً به خاطر مخرب بودن سلاح‌های جنگی مدرن، جنگ غیرممکن

1- Uncle Tom's Cabin

2- Ben Hur

3- Whitman

4- Thoreau

5- Emerson

می‌باشد. دیگران اظهار می‌دارند که حتی اگر شصت یا هفتاد میلیون آمریکایی در یکی دو روز نخست یک جنگ هسته‌ای کشته شوند، دلیلی وجود ندارد که بپنداریم پس از غلبه بر تکان روحی اولیه، زندگی همچنان به روال خود ادامه ندهد. اهمیت کتاب اورول نیز دقیقاً به خاطر آن است که حالت جدید نویدی حاکم بر عصر ما را نشان می‌دهد، پیش از آنکه این حالت در ذهن هوشیار مردم جلوه گر شده و جای گیرد.

تنها اورول نیست که به چنین تلاشی دست زده است. دو نویسنده دیگر زامیاتین^۱ روسی در کتابش به نام «ماه»^۲ و آلدوس هاکسلی^۳ در کتاب دنیای جدید بی‌باک^۴ نیز وضعیت حاضر و هشدار برای آینده را درست همچون اورول بیان کرده‌اند. این سه اثر جدید را که شاید بتوان «اتوپیا‌های منفی» نیمه قرن بیستم نامید نقطه مقابل سه «اتوپیا‌های مثبت» است که در قرن‌های شانزدهم و هفدهم نوشته شدند و بیشتر بدانها اشاره شد.

اتوپیا‌های منفی حالت بی‌اقتداری و نویدی انسان مدرن را نشان می‌دهد و این در حالی است که اتوپیا‌های مثبت حالت اعتماد به نفس و امیدواری انسان بعد از رنسانس را بازگو می‌کند. از این رو چیزی متناقض‌تر از این تغییر در بستر تاریخ نبوده است: انسان در آغاز عصر صنعت هنگامی که در واقعیت امکان دستیابی به دنیایی را نداشت که در آن سفره غذا برای همگان گسترده باشد، در جهانی می‌زیست که در آن توجیه اقتصادی برای اسارت، جنگ و استثمار وجود داشت، در دنیایی که تنها امکانات علم جدید و کاربرد آن را در فن‌آوری و تولید حس می‌کرد، با این وجود در آغاز پیشرفت، مملو از امید بود. چهارصد سال بعد هنگامی که تمامی این امیدها تحقق می‌یابند، زمانی که انسان می‌تواند به قدر کافی برای همگان تولید کند، زمانی که جنگ دیگر ضرورت نمی‌یابد، چرا که پیشرفت فن‌آوری می‌تواند به هرکشوری ثروتی بیش از غلبه بر سرزمین‌های دیگر ببخشد، هنگامی که جهان همچون چهارصد سال پیش در حال پیوستن به یکدیگر شوند تا به یک قاره واحد مبدل گردند، درست در چنین لحظه‌ای که انسان در آستانه دستیابی به امیدهایش است، امیدش را از کف می‌دهد. نکته اساسی هر سه اتوپیا منفی نه تنها توصیف آینده‌ای است که به سوی آن در حال حرکتیم بلکه توضیح این تناقض تاریخی نیز می‌باشد.

1- Zamyatin

2- We

3- Aldous Huxley

4- Brave New World

این سه اتوپای منفی به لحاظ جزئیات و اهمیت کار با هم فرق دارند. کتاب «ما» زامیاتین که در دهه بیست به رشته تحریر درآمده در قیاس با «دنیای جدید بی باک» هاکسلی با ۱۹۸۴ ویژگی‌های مشترک بیشتری دارد. «ما» و ۱۹۸۴ جامعه‌ای کاملاً خشک و مقرراتی را نشان می‌دهند که در آن انسان تنها یک شماره است و تمام حس فردیت خود را از دست می‌دهد. این حالت با ترکیب ترس بی حد و حصر (در کتاب زامیاتین عمل جراحی مغز سرانجام انسان را حتی از لحاظ فیزیکی دگرگون می‌سازد) و بهره‌برداری ایدئولوژیک و روانشناسانه موجب می‌شود. در اثر هاکسلی ابزار اصلی تبدیل انسان به آدم ماشینی، پیشنهاد خواب مصنوعی به طور گسترده است که امکان وجود وحشت را کنار می‌زند. می‌توان گفت نمونه‌های زامیاتین و اورول به حکومت‌های استالین و نازی بیشتر مشابه است، در حالی که کتاب دنیای جدید بی باک هاکسلی تصویری از پیشرفت دنیای صنعتی غربی را نشان می‌دهد. البته به شرطی که بدون تغییرات اساسی به روند حاضر خود تداوم بخشد.

علی‌رغم این تفاوت یک سؤال اساسی مشترک در خصوص هر سه اتوپای منفی مطرح می‌شود. این سؤال جنبه فلسفی، انسان‌شناختی و روان‌شناختی و شاید حتی مذهبی هم دارد. سؤال این است که: آیا ممکن است طبیعت انسان چنان تغییر یابد که آرزوهایش برای آزادی، شرافت، کمال، عشق و... فراموش گردد؟ به عبارت دیگر آیا ممکن است بشر فراموش کند که یک انسان است؟ و یا طبیعت انسانی دارای چنان پویایی است که به خشونت نسبت به نیازهای اساسی بشر واکنش نشان می‌دهد و سعی بر آن دارد که جامعه غیرانسانی را به نوع انسانی آن مبدل سازد؟ این نکته باید مورد توجه قرار گیرد که هیچ یک از سه نویسنده صرفاً موضع نسبی‌گرایی روان‌شناختی را که بین بسیاری از دانشمندان علوم اجتماعی امروزی رایج است، اتخاذ نمی‌کنند. آنها قبول ندارند که چیزی به عنوان طبیعت انسانی وجود ندارد؛ و اینکه چیزی به عنوان خصیصه‌های اساسی برای انسان وجود ندارد؛ و اینکه انسان در بدو تولد چیزی نبوده است جز یک صفحه کاغذ سفید که هر جامعه‌ای متن خود را بر روی آن می‌نگارد. بلکه آنها می‌پندارند که انسان بسیار شیفته عشق، عدالت، راستی و وحدت است و لذا از این بابت آنها کاملاً با نسبی‌گرایان فرق دارند. در واقع آنها با ارائه ابزارهای بسیاری که برای نابودی این خصیصه‌ها لازم می‌دانند، تصریح کرده‌اند که تلاش‌های انسانی برای این خصیصه‌ها قوی و پابرجا است. در کتاب

«ما» زامیاتین برای خلاصی از نیازهای طبیعت انسانی، عمل جراحی مغزی مشابه لوبوتومی ضرورت می‌یابد. در کتاب دنیای جدید بی‌باک هاکسلی انتخاب مصنوعی زیست‌شناسی و استفاده از دارو ضرورت می‌یابد و در کتاب ۱۹۸۴ اورول، شکنجه و شستشوی مغزی به طور فراوان مورد استفاده قرار می‌گیرد. هیچ‌یک از این سه نویسنده مدعی این اندیشه نیستند که نابودی انسانیت درون انسان‌کاری است آسان. با این حال هر سه آنها به یک نتیجه مشابه می‌رسند: اینکه این کار با استفاده از ابزار و فوونی که در دانش امروزی رواج دارد، شدنی است.

کتاب ۱۹۸۴ اورول برخلاف بسیاری از شباهت‌های زیادی که با کتاب زامیاتین دارد، بر این سؤال که چگونه ممکن است طبیعت انسان تغییر کند؟ پاسخ اصلی خود را می‌دهد. هم‌اکنون می‌خواهم درباره برخی از مفاهیم خاص «اورولی» صحبت کنم:

پاسخ اورول که برای سال ۱۹۶۱ و پنج تا پانزده سال پس از آن کاملاً مناسب است، ارتباطی است که بین جامعه دیکتاتوری ۱۹۸۴ و جنگ اتمی برقرار می‌سازد. جنگ‌های اتمی نخستین بار در سال‌های اولیه دهه چهل ظاهر شدند؛ حدود ده سال بعد جنگ اتمی در مقیاس بزرگتری ظهور یافت و چند صد بمب بر روی مراکز صنعتی و بخش اروپایی روسیه اروپای غربی و آمریکای شمالی ریخته شد. بعد از این جنگ دول تمامی کشورها پذیرفتند که ادامه جنگ به مفهوم پایان جامعه سازمان یافته و از این‌رو پایان قدرت خودشان خواهد بود. بدین منظور دیگر بمبی ریخته‌شد و سه قدرت بزرگ موجود «تنها به تولید بمب‌های اتمی ادامه دادند و آنها را ذخیره ساختند تا در فرصت سرنوشت‌سازی که به باور همگی آنها دیر یا زود فرامی‌رسد، استفاده کنند.» هدف حزب حاکم همچنان کشف این مسئله بود که «چطور می‌توان چند صد میلیون نفر آدم را در عرض چند ثانیه و بدون هیچ هشدار قبلی کشت؟» اورول ۱۹۸۴ را پیش از زمان کشف سلاح‌های هسته‌ای نوشت و از لحاظ تاریخی بد نیست به این نکته اشاره کنیم که در دهه ۵۰ تمام اهدافی که درست در کتاب حاضر بیان گردیده، اتفاق افتاده است. بمب اتمی که بر روی شهرهای ژاپن ریخته شد در مقایسه با کشتار جمعی که سلاح‌های هسته‌ای امکان آن را به وجود می‌آورند و قابلیت نابود کردن نود تا صد درصد جمعیت یک کشور را دارند، کوچک و ناچیز به نظر می‌آید.

اهمیت مفهوم جنگ از دید اورول برخاسته از مشاهدات فراوان و بسیار هوشمندانه